

گفتار سوم: شرکت در جرم

مطلب ۱- «شرکت در جرم» عبارت است از: همکاری دو یا چند نفر در ارتکاب جرم به گونه‌ای که جرم مستند به رفتار همه آن‌ها باشد. به عبارت دیگر، «شرکت در جرم» عبارت است از: ارتکاب جرم واحد توسط اشخاص متعدد. به عنوان مثال، در صورتی که دو نفر وارد خانه‌ای شده و مشترکاً مبادرت به ربودن مال منقول متعلق به دیگری نمایند، هر یک از آن‌ها، شرکا در جرم سرقت تلقی و مشمول مجازات مقرر برای فاعل مستقل سرقت خواهند شد.

بر این اساس، «شریک جرم» کسی است که با شخص یا اشخاص دیگر در عملیات اجرایی جرمی مشارکت نماید و جرم مستند به رفتار همه‌ی آنان باشد.

مطلب ۲- شرکت در جرم دارای سه عنصر قانونی، مادی و معنوی است که در ادامه به بررسی این موارد می‌پردازیم.

الف) عنصر قانونی

مطلب ۱- حکم شرکت در هر نوع جرمی به عنوان یک قاعده کلی در ماده ۱۲۵ ق.م.ا بیان شده است و همچنین احکام مجازات شرکت در جنایات در کتاب سوم (بخش اول، فصل ششم) و جنایات مستوجب دیه در کتاب چهارم (بخش اول، فصل ششم) بیان شده است.

مطلب ۲- شرکت در جرایم مستوجب حد نیز امکان‌پذیر است. البته در مورد جرایم حدی باید قائل به تفکیک شد:

۱- برخی جرایم حدی قائم به فرد می‌باشند؛ به این معنا که وقوع جرم به هیچ نحو با مشارکت فرد دیگری ممکن نیست؛ مانند: مصرف مسکر، کذب و سب نبی در نتیجه مشارکت در این جرایم مفهومی ندارد.

۲- برخی جرایم حدی فقط با فرض مداخله دو نفر در افعال مادی جرم، محقق می‌شوند و هیچ‌گاه یک نفر به تنهایی نمی‌تواند مرتکب این جرایم شود. بنابراین شرکت در این دسته از جرایم، صدق می‌کند؛ مانند: زنا، لواط، تفریض و مساحقه.

۳- برخی جرایم حدی مانند جرایم تعزیری، هم به تنهایی قابل تحقق هستند، هم با شرکت دو یا چند نفر؛ مانند: قوادی، سرقت، محاربه، بغی و افساد فی الارض. (اردبیلی، همان، ج ۲، ص ۱۲۵)

مطلب ۳- در صورتی که رفتار شرکا به موجب قانون، جرم شناخته نشده باشد، وصف شرکت نیز منتفی خواهد بود. بر این اساس، شرکت در رفتاری که به دلایل موجهه قانونی، مانند دفاع مشروع یا اجرای حکم قانون و ...، مباح به شمار می‌آید، هیچ‌گاه جرم نخواهد بود. همچنین در موردی که قصد مرتکب در ارتکاب جرم، بی‌اثر بماند (جرم عقیم)، شرکت در جرم، محقق نخواهد شد؛ به عنوان مثال، اشخاصی که به قصد آتش زدن محصول کشاورزی متعلق به دیگری، مواد آتش‌زا مانند بنزین در زمین او می‌پاشند، اما به دلیل رطوبت شدید، آتش روشن نمی‌شود و اقدام آنان عقیم می‌ماند. از آنجایی که حکم جرایم عقیم در نظام کیفری ما، اباحه می‌باشد، هیچ نوع مشارکتی در این نوع افعال، محقق نخواهد شد.

ب) عنصر مادی

مطلب ۱- در جرایم مطلق که ارتکاب فعل مادی برای تحقق جرم کفایت می‌کند، شرکت در جرم با صدور فعل مادی جرم از یکایک شرکا محقق می‌گردد. در این دسته از جرایم، اثبات رابطه علیت بین رفتار شرکا و نتیجه مجرمانه منتفی می‌باشد و فقط کافی است که جرم، مستند به رفتار همه آنان باشد.

مطلب ۲- در ارتکاب جرایم مرکب، صرف اینکه هر یک از افراد، یک جزء از آن جرم مرکب را مرتکب شوند، شریک در آن جرم محسوب خواهند شد. به عنوان مثال، در جرم کلاهبرداری در صورتی که یک نفر توسل به وسایل متقلبانه و دیگری بردن مال بزه‌دیده را مرتکب شوند، شریک در جرم کلاهبرداری خواهند بود.

مطلب ۳- شرکت در جرم فقط در مورد جرم تام، قابل تصور نمی‌باشد، بلکه شرکت در شروع به جرم نیز قابل تصور می‌باشد. به عنوان مثال، در صورتی که سه نفر به قصد سرقت وارد منزل دیگری شوند و اموالی را بردارند ولی موفق به خارج کردن مال نشوند و در همان مرحله‌ی برداشتن مال، دستگیر شوند، شریک در جرم شروع به سرقت خواهند بود.

مطلب ۴- شرکت در جرایم ناشی از ترک فعل نیز قابل تحقق می‌باشد. به عنوان مثال، در صورتی که مأمورانی که وظیفه حفظ یا مراقبت از متهم را به عهده دارند، در انجام وظیفه خود سستی کنند و بر اثر آن، متهم فرار کند، همه آنان به عنوان شریک در جرم، قابل تعقیب و مجازات خواهند بود.

مطلب ۵- شرکت در جرایم غیر عمدی نیز قابل تحقق می‌باشد؛ به عنوان مثال، چندین کارگر در هنگام پی‌کنی، اصول ایمنی را رعایت نکنند، در نتیجه، دیوار فروبریزد و یکی از کارگران به قتل برسد. در این مورد، قتل نتیجه تقصیر جمعی آن‌ها می‌باشد؛ هر چند یکی به علت عدم رعایت نظامات دولتی، دیگری به علت عدم مهارت و سومی به علت بی‌احتیاطی مرتکب تقصیر گردد.

مطلب ۶- در جنایات، شرکت فقط به صورت مباشرت محقق نمی‌شود، بلکه گاهی اوقات به صورت تسبیب نیز قابل تحقق می‌باشد؛ به عنوان مثال، دو نفر با کمک هم، مجنی علیه را در آب بیندازند تا غرق شود.

پ- عنصر روانی

مطلب ۱- هر چند ماده ۱۲۷ ق.م.ا در مورد عنصر روانی شرکت در جرایم عمدی، ساکت می‌باشد، لکن با توجه به قواعد موجود در مورد شرایط مسئولیت کیفری، مانند ماده‌ی ۱۴۰ و ۱۴۴ این قانون، باید گفت که علم و عمد هر یک از شرکا برای تحقق شرکت، لازم می‌باشد. بنابراین در صورتی که شخصی در حین ارتکاب جرم سرقت توسط دو نفر، با این تصور که آن‌ها در حال اسباب‌کشی می‌باشند، به آن‌ها در ربودن مال کمک کند، به عنوان شریک در جرم، قابل تعقیب نخواهد بود. همچنین:

۱- علم به ارتکاب جرم باید قبل از ارتکاب جرم و یا در زمان ارتکاب جرم حاصل شود. بنابراین در صورتی که شخص بدون اطلاع در جرمی شرکت نماید و پس از خاتمه آن، علم به جرم بودن عمل پیدا کند، شریک در جرم نخواهد بود.

۲- شرکت در جرم منوط به تبانی و توافق پیشین شرکا بر ارتکاب جرم خاص نیست. این توافق ممکن است در اثنای ارتکاب جرم نیز حاصل شود. بنابراین هرگاه کسی در حین خارج کردن کالا از انبار سر برسد و از قرائن متوجه شود که سرقتی در حال وقوع است و عالماً به همکاری با دزدان بپردازد، عمل او شرکت در جرم سرقت خواهد بود.

۳- شرکت در جرم منوط به هیچ توافقی نمی‌باشد؛ به این معنی که دو یا چند نفر مصمم به ارتکاب جرم با مشارکت با هم باشند یا قصد مشترکی بر ارتکاب جرم خاص داشته باشند، کفایت می‌کند، اما در صورتی که پیش از عملیات اجرایی جرم، دو یا چند نفر برای ارتکاب جرمی خاص توافق نمایند، اما در اثنای ارتکاب، بعضی از آن‌ها از حدود توافق خارج شوند و مرتکب جرمی گردند که مقصود همه آن‌ها نبوده است، فقط افرادی که از حدود توافق خارج شده‌اند، نسبت به این مقدار مسئول خواهند بود. به عبارتی دیگر، وحدت قصد بر ارتکاب جرم خاص، حدود مسئولیت آنان را در شرکت تعیین خواهد کرد، ولی وحدت مذکور هیچ‌گاه شرط شرکت در جرم نیست؛ به عنوان مثال، دو نفر با قصد قتل با ضربات کارد، مجنی علیه را مجروح و مقتول کنند، هر چند پیش از آن، بر حصول نتیجه مذکور اتفاق نظر نداشته‌اند، لیکن شریک یکدیگر در ارتکاب قتل عمد خواهند بود. در این مثال می‌توان تصور نمود که یکی از آن‌ها عمداً و دیگری سهواً مجنی علیه را مجروح و مضرور کرده باشد، باز هم هر دو شریک در قتل تلقی می‌شوند.

۴- شریک باید با اختیار و اراده در جرم شرکت نماید. بنابراین در صورت وجود اجبار یا اکراه، شریک در جرم نخواهد بود.

۵- همان‌گونه که بیان کردیم، شرکت در جرایم غیر عمدی نیز قابل تحقق می‌باشد، که عنصر روانی در این جرایم، تقصیر یا خطای کیفری می‌باشد. (تبصره ماده ۱۴۵ ق.م.ا) به عنوان مثال، دو نفر مشترکاً مسئولیت مراقبت از برج فرودگاهی را بر عهده دارند. به علت بی‌تفاوتی در شغل و به منظور صرف غذا، محل خدمت را موقتاً ترک می‌کنند. در نتیجه، با اخلال در تنظیم و کنترل پرواز هواپیماها، باعث تصادف بین دو هواپیما در بالای فرودگاه می‌شوند که در ضمن خسارات مالی، عده‌ای کشته می‌شوند. مسئولین

مراقبت از برج فرودگاه، شرکای در جرم قتل غیرعمدی خواهند بود و یا در صورتی که افراد یک تیم جراحی قبل از عمل جراحی و یا ضمن عمل جراحی بدون رعایت کلیه موازین فنی و علمی و نظامات دولتی، مبادرت به عمل جراحی نمایند و در نتیجه، بیمار فوت کند، اعضای تیم جراحی مزبور، شرکای در جرم قتل شبه‌عمد خواهند بود.

آنچه در این جرایم نیز مهم است، این می‌باشد که باید تقصیر مشترک آنان، علت وقوع جرم شناخته شود، که وجود رابطه‌ی علیت نیز بر اساس عرف بررسی می‌شود؛ به این معنی که تقصیر، زمانی محقق است که وقوع نتیجه مجرمانه عرفاً محتمل باشد. بنابراین در صورتی که ثابت شود که هیچ‌یک از عاملان جرم نمی‌توانسته است وقوع آن را احتمال دهد، یعنی احتمال نتیجه برای هر انسان محتاطی در اوضاع و احوال وقوع جرم، امکان‌پذیر نمی‌باشد، تقصیر محرز نمی‌باشد و مسئولیت منتفی است. (اردبیلی، همان، ج ۲، ص ۸۷-۷۸؛ گلدوزیان، همان، ص ۲۰۶-۲۰۲؛ شمس ناتری، همان، ص ۲۹۳-۲۸۹؛ صاعی، همان، ص ۵۵۶-۵۵۵)

مواد مربوط به شرکت در جرم

ماده ۱۲۵ ق.م.ا: «هر کس با شخص یا اشخاص دیگر در عملیات اجرایی جرمی مشارکت کند و جرم، مستند به رفتار همه‌ی آنها باشد، خواه رفتار هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد، خواه نباشد و خواه اثر کار آنان مساوی باشد، خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب و مجازات او، مجازات فاعل مستقل آن جرم است. در مورد جرایم غیرعمد نیز چنانچه جرم مستند به تقصیر دو یا چند نفر باشد، مقصران، شریک در جرم محسوب می‌شوند و مجازات هر یک از آنان، مجازات فاعل مستقل آن جرم است. تبصره: اعمال مجازات حدود، قصاص و دیات در مورد شرکت در جنایت با رعایت مواد کتاب‌های دوم، سوم و چهارم این قانون انجام می‌گیرد.»

نکته ۱- صدر ماده بیان می‌دارد: «وجود شخص یا اشخاص دیگر». بنابراین تعدد بزه‌کاران از شروط تحقق شرکت می‌باشد. با این حال ممکن است در میان بزه‌کاران، شخص مجنی‌علیه نیز در ارتکاب جرم علیه خود سهیم باشد؛ در این صورت، مجنی‌علیه نیز در شمار شرکا به حساب خواهد آمد. البته مداخله مجنی‌علیه در وقوع جرم باید به گونه‌ای باشد که فعل او بر اساس قاعده کلی، جزء علت تامه جرم محسوب شود. (اردبیلی، همان، ج ۲، ص ۸۴) همچنین وجود شخص یا اشخاص دیگر در ارتکاب جرم، به این معنا نمی‌باشد که مسئولیت شریک جرم، وابسته به مسئولیت دیگری باشد، بلکه هر شریک به تنهایی و مستقلاً مسئول اعمال خویش بوده و مسئولیت مستقل و جداگانه‌ای دارد که به مسئولیت دیگران ارتباط ندارد. بنابراین هرگاه نفس عمل به علت یکی از عوامل موجهه جرم (علل عینی) مانند دفاع مشروع و ... قابل تعقیب نباشد، همه شرکت‌کنندگان در جرم، معاف از تعقیب هستند. ولی هرگاه یکی از شرکت‌کنندگان به علل رافع مسئولیت کیفری (علل شخصی) مانند جنون و ... معاف از تعقیب باشد، این زوال مسئولیت جنبه شخصی داشته و نسبت به سایرین تأثیر ندارد. (محسنی، همان، ج ۳، ص ۷۲-۷۱)

نکته ۲- ماده ۱۲۵ ق.م.ا بیان داشته: «... در عملیات اجرایی جرمی مشارکت کند». بنابراین برای تحقق شرکت در جرم، مرتکبین باید در عملیات اجرایی جرم، با یکدیگر همکاری کنند. بر این اساس، شرکت در اعمال مقدماتی، شرکت محسوب نمی‌شود؛ به عنوان مثال، برای سرقت از منزل غیر، فقط کلید تهیه نماید. همچنین در زمان ارتکاب جرم باید با بقیه شرکا وارد عملیات اجرایی شده باشد و صرف حضور در انجام عملیات حاشیه‌ای، شرکت محسوب نمی‌شود. به عنوان مثال، اگر کسی در سرقت، فقط نقش مراقبت را در نزدیکی محل سرقت داشته تا ورود مأمورین را به سارقان اطلاع دهد، شریک در جرم نیست. همچنین شرکت در اعمالی که پس از وقوع جرم می‌باشد، شرکت محسوب نمی‌شود؛ مثل از بین بردن آثار جرم. (گلدوزیان، همان، ص ۲۰۳)

نکته ۳- با توجه به قید «جرم، مستند به رفتار همه‌ی آنها باشد» باید گفت: برای تحقق شرکت در جرم، احراز رابطه‌ی علیت بین اعمال ارتکابی شرکا و نتیجه‌ی مجرمانه، ضروری می‌باشد؛ با این توضیح که تأثیر رفتار هر یک از شرکای جرم در نتیجه‌ای که از رفتار جمعی آنها حاصل می‌شود، ممکن است یکسان نباشد؛ ولی شرط، این است که رفتار هر کدام، جزئی از علت وقوع جرم باشد. همچنین رابطه علیت بین رفتار شرکا و نتیجه مجرمانه به معنای ملازمه عرفی میان رفتار و نتیجه به طوری که اگر

رفتار هر یک از آنها نبود، جرم واقع نمی‌شد، می‌باشد. تفاوت نمی‌کند که جرم، عمدی باشد یا غیرعمدی، مطلق باشد یا مفید. (اردبیلی، همان، ج ۲، ص ۸۳) بنابراین در صورتی که عده‌ای قصد قتل کسی را بکنند و بدین منظور، آسیب‌هایی را به مجنی علیه وارد کنند و تنها برخی از آسیب‌ها موجب قتل شوند، فقط واردکنندگان آسیب‌ها، شریک در قتل می‌باشند. این امر در ماده‌ی ۳۶۸ ق.م.ا نیز بیان شده است.

نکته ۴- در مورد تأثیر عمل شرکا در تحقق جرم باید گفت: لازم نیست اثری که عمل هر یک از مرتکبین در تحقق نتیجه می‌گذارد، برابر باشد، بلکه در صورت متفاوت بودن اثر هر یک، باز هم شرکت در جرم، محقق می‌شود. بنابراین آنچه برای تحقق شرکت در جرم، مهم است، این است که عمل هر یک از مرتکبین، جزئی از علت وقوع جرم باشد و برابری عمل مرتکبین در تأثیرگذاری، مهم نمی‌باشد. به عنوان مثال، در صورتی که سه نفر قصد قتل دیگری را بکنند و به وی ضربات متعددی وارد کنند، لذا اثر ضربات یک نفر به دلیل قدرت جسمانی بالاتری که دارد، شدیدتر باشد، و یا در ارتکاب جرم تخریب، به دلیل ابزاری که یکی از شرکت‌کنندگان برای تخریب به کار می‌برد، میزان خسارت وارده بیشتر از خسارتی که سایرین وارد می‌کنند، باشد و یا یکی از شرکا جراحاتی از جنس سمحاق (جراحی که به پوست نازک روی استخوان برسد) و دیگری جراحاتی از جنس موضعه (جراحی که پوست نازک روی استخوان را کنار بزند و استخوان را آشکار کند) و سومی جراحاتی از جنس دیگر، وارد کنند، لذا همه جراحات سرایت کنند و منجر به قتل مجنی علیه شوند، در همه این موارد، شرکت در جرم محقق شده و مجازات هر کدام، مجازات فاعل مستقل آن جرم می‌باشد.

* تعیین میزان تأثیر رفتار شریک، جنبه موضوعی دارد و با دادگاه است.

نکته ۵- مجازات شریک در جرم، مجازات فاعل مستقل آن جرم می‌باشد؛ به این معنا که به هر نحوی که مباشر، مجازات می‌شود، هر یک از شرکا نیز به همان شکل مجازات می‌شوند. بنابراین در صورتی که عده‌ای به شراکت، مرتکب جرم سرقت تعزیری شوند، مجازات شرکت تعزیری به طور مستقل در حق هر یک اعمال خواهد شد. از این رو، مسئولیت کیفری هر شریک، مستقل از مسئولیت کیفری سایر شرکا می‌باشد. به عبارت دیگر، مسئولیت کیفری شریک در جرم، کاملاً شخصی می‌باشد و به هیچ نحو به مسئولیت کیفری سایر شرکا ربطی ندارد و لذا هر شریک جرم می‌تواند به تنهایی مورد تعقیب قرار گیرد. (گلدوزیان، همان، ص ۲۰۲) به عنوان مثال، در صورتی که پدری با مشارکت برادر خود، مبادرت به سرقت اموال فرزند خود نماید (بر اساس ماده ۲۶۸ ق.م.ا سرقت حدی باشد)، با وجود اینکه بر اساس بند «ج» ماده ۲۶۸ ق.م.ا، پدر مستوجب حد نیست، برادر وی که در ربودن مال برادرزاده خود، نقش اجرایی داشته است، با احراز شرایط لازم برای سرقت حدی، مشمول مجازات سرقت حدی خواهد بود. همچنین پس از تعیین مجازات قانونی هر یک از شرکا، دادگاه موظف است بار دیگر تحقیق کند که آیا علل قانونی وجود دارد که موجب تخفیف یا معافیت شریک از مجازات شود؟ در صورت وجود علل عینی، مانند: کمک و راهنمایی شریک در کشف جرم (م ۵۲۱ قانون تعزیرات) و یا مداخله ضعیف شریک یا معاون در وقوع جرم (بند «ح» ماده ۳۷ ق.م.ا)، و یا علل شخصی، مانند: ندامت، حسن سابقه و یا وضع خاص متهم از قبیل کهولت یا بیماری (بند «ث» ماده ۳۸ ق.م.ا)، دادگاه فقط در حق شرکایی که دارای این جهات باشند، تخفیف یا معافیت را اعمال می‌کند. از سویی دیگر، در صورت وجود جهات قانونی تشدید مجازات، دادگاه ملزم به رعایت آن در تعیین مجازات هر یک از شرکا است. این صفات اگر شخصی باشند، مانند: سردستگی گروه مجرمانه (ماده ۱۳۰ ق.م.ا) و یا کارمند دولت بودن در جرم اختلاس، دادگاه فقط در حق شریکی که این صفت را دارا است، مجازات را تشدید می‌کند؛ و اگر صفات عمومی باشند، مانند تعدد و تکرار جرم، دادگاه در مورد کسانی که به تعدد و تکرار جرم متهم‌اند، مجازات را تشدید خواهد کرد. (اردبیلی، همان، ج ۲، ص ۸۹-۸۸)

نکته ۶- بر مبنای ماده‌ی ۱۲۵ ق.م.ا، شرکت در جرم در مورد جرایم غیرعمدی نیز وجود دارد، که برای تحقق شرکت در این جرایم، لازم است دو شرط وجود داشته باشد:

۱-۶. هر یک از افراد، مرتکب تقصیر شده باشد، که اعم از بی احتیاطی و بی مبالاتی است.

۲-۶. باید بین نتیجه‌ی مجرمانه و تقصیر همه‌ی شرکا، رابطه‌ی علیتی وجود داشته باشد، به گونه‌ای که بتوان گفت: جرم مستند به تقصیر همه‌ی شرکا بوده است. به عنوان مثال، در اثر بی مبالاتی مشترک کارگران هنگام پی‌کنی و در نتیجه‌ی ریزش دیوار، یکی از کارگران می‌میرد و یا کارگر متصدی اتصالات لوله‌های گاز با سهل‌انگاری خود، جوشکاری ناقص نماید و سپس مهندس ناظر هم مسامحه نموده و دستور رفع نقص جوشکاری را ندهد و در نتیجه‌ی نشست گاز، فردی کشته شود، در این موارد، شرکت در جرم غیرعمدی محقق شده است. بنابراین در صورتی که فردی مرتکب تقصیر شده باشد، اما تأثیر او در وقوع حادثه نقشی نداشته است، آن فرد، شریک در آن جرم محسوب نخواهد شد.

نکته ۷- مجازات شرکت در جرایم موجب حد، قصاص و دیه بر اساس این ماده نمی‌باشد، بلکه باید بر اساس مواد مربوط به این جرایم عمل نمود:

۱-۷- حدود: مجازات هر یک از شرکا، مجازات فاعل مستقل می‌باشد.

۲-۷- قصاص: مجازات هر شریک، مجازات فاعل مستقل است. البته در برخی موارد (مواد ۳۶۸ تا ۳۷۴ ق.م.ا)، مجازات تمام شرکا مستلزم پرداخت فاضل دیه است.

۳-۷- در مورد دیه برخلاف حدود، قصاص و تعزیرات (که مجازات شریک، مجازات فاعل مستقل است)، بر اساس ماده ۴۵۳ ق.م.ا، هر یک از شرکا یا عاقله آن‌ها به طور مساوی مکلف به پرداخت دیه می‌باشند. بر این اساس، یک دیه تعیین و بین شرکا تقسیم می‌شود.